

بررسی ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در بیمه عمر

هدایت الله سلطانی^۱ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، ایران.
شهرام قاسمی ثابت^۲* کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

چکیده

تعهد به نفع شخص ثالث امری است خلاف اصل نسبی بودن قراردادها و بیانگر این است که در ضمن قراردادی که طرفین با هم منعقد می‌کنند شرطی به نفع شخص ثالث در آن می‌گنجاند و ضروریات زندگی باعث گردید که نهادی به نام بیمه عمر ظهور نماید که فرد اجلای تعهد به نفع شخص ثالث است. با این تفاوت که تعهد صورت گرفته ضمن قراردادی نیست و ماهیت اصلی قرارداد به منظور تعهدی به نفع ثالث صورت می‌گیرد لذا با توجه به نوظهور بودن این نهاد حقوقدانان به منظور توجیه آن به بیان تئوری‌های مختلف پرداختند که عبارتند از: الف) نظریه پیشنهاد، ب) نظریه اداره فضولی اموال غیر، ج) نظریه اعلام یک طرفه اراده، د) نظریه ایجاد استثنائی به سود ثالث که پس از بررسی‌های صورت گرفته نظریه چهارم از نظر حقوقدانان ایران و فرانسه تئوری موجهی برای توجیه ماهیت حقوق تعهدی که در بیمه عمر به نفع شخص ثالث صورت گرفته می‌باشد که این تئوری با نظریه‌های علمای اسلامی نیز سازگاری بیشتری دارد. ولی این سازگاری موجبات عدم مخالفت بعضی از علماء در خصوص بیمه عمر را منجر نگردید و عده‌ای از علماء با بیمه عمر و ماهیت آن مخالفت کردند و عده‌ای دیگر از علماء به منظور توجیه عمر آن را در غالب عقود معین نهادند که در ادامه با بررسی بیشتر و مقایسه عقود معینی که بیمه عمر را مشمول آن می‌دانستند مشخص گردید که هرچند که ممکن است که بیمه عمر با عقود معینی که وجود دارد دارای اشتراکاتی می‌باشد ولی تفاوت‌هایی را نیز شامل است که موجب می‌گردد که بیمه عمر را نتوان در غالب عقود معین قرار داد. لذا در ادامه دلایلی نیز مبنی بر مستقل بودن این نهاد بیان گردید و به بررسی شرایط و آثار بیمه عمر پرداختیم و معلوم شد که برخلاف حقوق بیمه فرانسه که پس از قبول ثالث این حق کاملاً مستقر می‌گردد و امکان فسخ آن از سوی بیمه گزار و بیمه گر وجود ندارد در حقوق ایران برابر مواد ۲۶ و ۲۵ قانون بیمه ایران، بیمه عمر حق نامستقری است که بیمه گزار مادام که زنده است می‌تواند آن را فسخ نماید و ثالث حق جلوگیری از آن را ندارد مگر اینکه برابر موازین قانونی آن را خریداری نموده باشد در غیر این صورت حق جلوگیری از فسخ آن را ندارد و به طریق اولی نیز حق اقاله این قرارداد توسط بیمه گزار وجود دارد.

واژگان کلیدی: تعهد به نفع شخص ثالث، بیمه عمر، اصل نسبی بودن قراردادها، حق نامستقر ثالث، ماهیت حقوقی بیمه عمر.

^۱ soltani537@gmail.com

^۲ *نویسنده مسئول: jilafz@yahoo.com

۱۵۷ بررسی ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در بیمه عمر (هدایت الله سلطانی، شهرام قاسمی ثابت)

مقدمه

با ورود بیمه به کشورهای اسلامی بوسیله شرکت‌های بیمه خارجی که اغلب آمریکایی و اروپایی بودند، مشکل تطبیق بیمه با موازین قانونی که بر گرفته از اصول فقهی می‌باشند مطرح گردید به همین دلیل شرکت‌های مذکور به عناوین گوناگون کوشیدند که انظار عمومی مسلمانان را به آن جلب کنند و از سوی نیز مردم در صدد آگاهی بیشتر از بیمه عمر از نظر شرعی بر آمدند و موجب گردید شرکت‌های بیمه در مقام استفتاء از فقهای آن زمان بر آمدند.

استفتاء مردم و علمای سالونیک^۱ از شیخ محمد بخت المطیعی مفتی و فقیه نامدار حنفی در کشور مصر نمونه‌ای از تلاش‌های انجام شده، در جهت یافتن راه حل و پاره‌ای به منظور تطبیق بیمه عمر با عقود و قوانین مدنی و موازین اسلامی است.

در رساله علمیة مراجع تقلید، موضوع بیمه به صورت مساله و سوال و پاسخ مطرح گردیده که فاقد استدلال می‌باشد که در جزوات اساتید حقوق بیمه به بیان فتوای امام خمینی و استاد شهید مطهری اکتفاء گردیده است.^۲

از سوی دیگر نیازهای اجتماعی و صنعتی شدن جوامع و ایجاد خطرات برای افراد، آنها را وادار می‌کند که دست به اقداماتی زند که پس از حیاتشان افراد خانواده و نزدیکان آنها دچار مشکلاتی از قبیل فقر و تنگدستی نگردند و پیدایش بیمه عمر پاسخی به این نیاز است و در اینجا با این سؤال مواجه می‌شویم که چگونه شخص ثالثی که در انعقاد قرارداد شرکت نداشته از آن منتفع می‌گردد و این که این امر با اصل نسبی بودن قراردادها در تضاد است یا خیر؟ معذک با اندکی دقت در می‌یابیم که بر اثر نیاز جوامع و افراد به مستثنیایی این چنین چون بیمه عمر به وجود می‌آید.

مبانی نظری

واژه بیمه و تعریف بیمه عمر

بیمه عمر یک واژه حقوقی فارسی است ولی در معنی و تاریخ بنای آن نظریات مختلفی بیان گردیده است. شادروان محمد جهانشاهی در مقاله میسوطی به نام «بیمه از نظر حقوق مدنی» بیمه را یک لغت خالص فارسی می‌داند که از هیچ زبانی وارد فارسی نشده و ریشه آن نیز به احتمال «بیم» به معنای ترس می‌باشد زیرا عنصر اولی و اصلی ترس، از خطر است و از ترکیب اصطلاح روسی استخراج "Ct ax" که به معنای ترس است و همچنین کلمه استرواخانه "Ctpxohabue" که در زبان روسی به معنی عقد بیمه می‌باشد شاهد آورده است.^۳ دکتر بهرام

^۱ بندری در شبه جزیره بالکان که در سال ۱۹۱۳ از امراتوری عثمانی جدا شد و فعلا جزو کشور قبرس است.

^۲ مطهری، مرتضی - کتب (بررسی فقهی مساله بیمه) چاپ سال ۶۱

^۳ جهانشاهی، محمد ۱۳۳۴، بیمه از نظر حقوق مدنی، مچه کانون وکلا شماره ۴۲ - امین، دکتر سید حسن، ۱۳۶۶، حقوق بیمه دریایی، چاپ پا کا لندن ص ۱۴

فروهوشی کلمه بیم را در فرهنگ پهلوی به هر دو معنای ترس و خطر آورده و عقیده دارد که "bimih" نیز ترکیب پهلوی همین واژه و به معنای حالت ترس و وحشت است.^۱

بیمه عقد است یا قرارداد یا معامله :

به عقیده بعضی از حقوقدانان قانون مدنی که مقتبص از فقه اسلامی است به عنوان یک قانون مادر وجه تمایز بین عقد و قرارداد را پذیرفته است بطوری که در مواد ۱۰ و ۹۷۵ و ۱۰۱۰ قانون مذکور قرارداد در مفهوم واقعی خود به کار رفته و در جاهایی هم که لفظ عقد استعمال گردیده این لغت واجد مفهوم خاص قانونی خود می باشد در مواردی هم تفاوت بین عقد و قرارداد مشخص است مانند اقاله و تفاسخ که عقد نیست ولی قرارداد است.^۲

تاریخچه بیمه عمر:

اولین اشاره‌ای که در متون قدیم در مورد مداخله به نفع زیاندیده از یک حادثه ناگوار مشاهده شده است مربوط به ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد است. به استناد برگ‌های پاپیروس بدست آمده، سنگتراشان حوزه سفلی مصر، بین خود صندوقی دایر کردند که به آنها اجازه می داد تا در هنگام وقوع بعضی حوادث مصیبت بار و بلایای عظیم از کمک یکدیگر بهره مند شوند.^۳ چند قرن بعد از آن یعنی در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد، قانون حمورابی به وجود قراردادی به نفع حمل کنندگان کالا اشاره می کند. از آنجایی که مبادله کالا در بین قبایل و شهرها اجتناب ناپذیر بوده و از طرفی راه‌ها ناامن و حمل کالا به وسیله شتر نیز پرمخاطره بود و کاروانیان نیز در قبال صاحبان کالا مسئولیت داشتند و ضمانت اجرای چنین مسئولیتی یعنی نرساندن کالا به مقصد، بسیار شدید بوده، منجر به ضبط و مصادره اموال و یا توقیف اعضای خانواده به عنوان گروگان و حتی گاهی اعدام مسئول می گردید. بنابر این کاروانیان با وجود دریافت دستمزد کلان، به شغل حمل و نقل رغبت چندانی نشان نمی دادند.

تعهد به نفع شخص ثالث

دکتر جعفری لنگرودی در تعریف تعهد به نفع شخص ثالث بیان می دارند که «هرگاه دو چند نفر قراردادی منعقد کنند و از یکی از تعهدات ناشی از آن قرارداد ثالثی منتفع شود (یعنی ثالث متعهد له آن تعهد قرارداده شود آن تعهد را تعهد به نفع شخص ثالث گویند) ماده ۱۹۶ ق.م. از این قبیل است عقد ضمان نسبت به مضمون عنه"^۴ در توضیح بیشتر باید گفت که هرگاه در یک قرارداد یکی از طرفین که شرط کننده نامیده می شود (Stipulant) به نفع شخص ثالثی شرط کند. (Tiers beneficiare) که طرف دیگر قرارداد (Promettant) به نفع این شخص ثالث عملی انجام

۱. لطفی، تقی ۱۳۵۳ فزونی و کاستی بحثی نو از حقوق مدنی سوئیس، مجه کنون وکلا شماره ۱۲۸ و ۱۲۹

۲. قائم مقامی، دکتر عبدالمجید ۱۳۵۳ حقوق تعهدات جلد ۲ چاپ دانشگاه تهران ص ۲۹ و ۳۰

۳. دکتر ایزد پناه دکتر مسیح سال ۶۹-۶۸، جزوه حقوق بیمه، انتشارات شهید بهشتی

۴. جعفری، لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ۱۳۷۲، ترمینولوژی حقوقی، چاپ ششم شماره ۱۳۳۰

۱۵۹ بررسی ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در بیمه عمر (هدایت الله سلطانی، شهرام قاسمی ثابت)

دهد یا مالی را به تملک وی در آورد و یا او را صاحب حقی نماید و یا تعهدی را از وی ساقط کند در این حالت شخص طلبکار می گردد، بدون آنکه در قرارداد شرکت داشته باشد.

توجیه ماهیت حقوقی تعهد به نفع ثالث

همانگونه که می دانیم در رابطه با ضرورت پیدا شدن استثنائات مختلف بر اصل نسبی بودن قراردادهای اشاره کردیم و گفتیم که زندگی اجتماعی حقوقدانان را به سمتی سوق می دهد که با ارائه تئوری ها و نظریه های مختلف درصدد توجیه حقوقی استثنائات مختلف وارده بر این اصل براین فلذا در این قسمت برآنیم که نظریه های مختلف حقوقی مطرح شده را برای توجیه حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث بیان کنیم به تعبیر دیگر بیان کنیم که چگونه از نقطه نظر حقوقی پذیرفته شده است که قراردادی بتواند نفعی به کسی که در انعقاد آن دخالتی نداشته باشد برساند. تردید نیست که اصل حاکمیت اراده یکی از اصول متقن حقوقی است و هر عقل سالمی هم مؤکد آن است و بر طبق همین اصل هیچ کس نمی تواند اراده خود را بر دیگری تحمیل نماید و بدون اینکه وی دخالتی داشته باشد دین و یا حقی را بر عهده او گذارد و یا حقی را برای او بوجود آورد و یا از او سلب نماید پس چگونه با توجه به این اصل می توان تعهد نمود به نفع شخص ثالث را از نقطه نظر حقوقی توجیه کرد.^۱

توجیه ماهیت حقوقی بیمه عمر با عقود مشابه

در این مبحث توجیه بیمه عمر را در دو قسمت الف) بیمه به شرط فوت و ب) بیمه به شرط حیات بیان می داریم:

الف) بیمه عمر به شرط فوت و عقود مشابه

۱ - بیمه عمر و هبه

عده ای از فقها برای توجیه مشروعیت تعهد به نفع شخص ثالث در بیمه عمر به شرط فوت از نظر فقه اسلامی آنرا با عقد هبه مقایسه کرده اند و عقیده دارند که اگر شخصی در هر ماه یا هر سال مبلغی از مال خود را به دیگری که شرکت بیمه می باشد تحت عنوان هبه معوض بدهد و در ضمن عقد شرط کند که در صورت حصول شرط (فوت در بیمه عمر به شرط فوت و حیات در بیمه به شرط حیات) بیمه گر یا شرکت بیمه نسبت به جبران خسارت وارده اقدام نماید مشروط علیه بیمه گر موظف است که به شرط عمل نماید.

۲ - بیمه عمر و صلح

مفهوم صلح: در لغت به معنی سازش کردن و آشتی و توافق است.^۲ در حقوق پاره ای از کشورها نیز عقد صلح تنها به منظور دفع ترافع و پایان بخشیدن به دعوی بکار می رود.^۳ از منابع احکام صلح در فقه نیز بخوبی استنباط می شود که عقد صلح به همین منظور در

^۱. La nature Juridique la stipulation pour autrui

^۲. دکتر محمد معین فرهنگ زبان فارسی ج ۲ ص ۲۱۶۰

قرآن و سنت آمده است.^۱ تعریف صلح در کتاب‌های مشهور فقه هم نشان می‌دهد که مفهوم صلح از هدف اصلی آن یعنی توافق و تسالم و سازش مایه می‌گیرد.^۲

۳- بیمه عمر و حق عمری و نفقه مادام‌العمر

در فقه اسلامی موضوعی به نام حق عمری وجود دارد و حق عمری نوعی حق انتفاع است که به موجب عقدی از طرف مالک برای شخص به مدت عمر خود یا عمر منتفع و یا شخص ثالث برقرار می‌شود حال اگر این حق عمری به صورت معوض و به مدت عمر ناقل برقرار شده باشد و چنین مقرر شود که عوض پس از فوت ناقل به ورثه او یا مادامی که خود ناقل زنده است به خود او تادیه گردد.

۴- بیمه عمر و وصیت:

مقایسه بیمه عمر و وصیت بدین صورت است که بر طبق قراردادی که بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر منعقد می‌شود بیمه‌گذار اقساط معینی به بیمه‌گر پرداخته و وصیت می‌کند که پس از فوت او یا شخص ثالث در قرارداد، مبلغ معینی به ورثه بیمه‌گذار یا شخص دیگری که بیمه‌گذار تعیین کرده است از طرف بیمه‌گر پرداخت شود.^۳

۵- بیمه عمر و تعهد به نفع شخص ثالث

گروهی از علما و اساتید حقوق با مقایسه بیمه عمر و بیمه شخص ثالث به تعهد به نفع شخص ثالث در مقام مشروعیت دادن بر این گونه بیمه‌ها برآمده‌اند. تعهد به نفع شخص ثالث در فقه اسلامی سابقه دارد و فقها نیز آن را به صورت شرط ضمن عقد، خواه معوض و خواه غیر معوض پذیرفته‌اند و اغلب در ضمن عقد دیگری با منتقل علیه شرط می‌شده است که مبلغی به شخص ثالث و مثلاً به صورت نفقه بپردازد. و مثالی که عموماً در بحث تعهد به نفع شخص ثالث زده می‌شود بیمه عمر است. از مواد ۱۹۶، ۷۶۹، ۷۶۸ قانون مدنی ایران نیز که ریشه فقهی دارد چنین استفاده می‌شود که می‌توان در عهد به سود ثالث شرط کرد. که حق منتفع پیش از مرگ او به وراثت او منتقل گردد و قانون بیمه ایران مصوب ۱۳۱۶ نیز در مواد ۲۳ تا ۲۷ نمونه تازه‌ای از شرط به نفع شخص ثالث را ارائه نموده است.^۴

۲. حقوق فرانسه (ماده ۲۰۴۴ ق. م) الجزائر (ماده ۴۵۹ ق. م) در حقوق فرانسه وجود اختلاف و قصد پایان

بخشیدن به آن و گذشت‌های متقابل از ارکان عقد صلح است (پلینتون و دیپروس‌ها و تپه ج ۱۱ شماره ۱۵۶۳)

۱. سوره نساء آیه ۱۲۸ و ۱۴۳۵ سوره انفال آیه ۸ سوره حجرات آیه ۴۹ و خیر محمد بن مسلم از حضرت باقر و منصور بن حازم از حضرت صادق بدین مضمون (قالوا فی رجلین کان لکن واحد منهما ضعام عند صاحبه لا یدری کل واحد منهما کم له عند صاحبه فقال کل واحد منهما لصاحبه لک ما عندک ولی ما عندی فقال لا بأس) نقل از : علامه حلی تذکره ج ۱ ص ۱۷۶ - مقدس اردبیلی - شرح ارشاد صلح)

۲. (عقد شرع لقطع التجارب) (شرايع محقق) با (عقد شرع لقطع الشارع) (شرح ارشد مقدس اردبیلی) یا (عقد سائغ شرع لقطع التجارب)

۳. مظفر وکیل، حسین، بیمه از نظر حقوق مدنی پایان نامه دوره لیسانس ۱۳۲۶ ص ۲۴ و ۲۵

۴. کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها ج ۳ ناشر بهنشر سال ۱۳۶۸ ص ۳۷۳ و ۴۲۲

ب) توجیه ماهیت بیمه عمر به شرط حیات و عقود مشابه

۱- بیمه عمر به شرط حیات و عقد مضاربه

گروهی از فقها و حقوقدانان اسلامی قرارداد بیمه را با عقد مضاربه مقایسه نموده و آن را مباح اعلام نموده‌اند می‌دانیم که «مضاربه عقدیست که به موجب آن احد متعاملین سرمایه می‌دهد با قید اینکه طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشند. صاحب سرمایه مالک و عامل «مضارب» نامیده می‌شود»^۱.

از جمله کسانی که این مقایسه به او نسبت داده شده است مرحوم به شیخ محمد عبده فقیه نامدار مصری می‌باشد. با توجه به اینکه مسلمانان آن زمان در مشروعیت بیمه تردید داشتند مدیر یک کمپانی بیمه آمریکایی با نام (Matualife) به منظور جلب مشتری و تشویق مردم به امر بیمه عمر استفایی از فقیه مذکور به عمل آورد و استفتاء «هور راسل» مدیر کمپانی و اصدار فتوی از جانب شیخ محمد عبده تحویلی در امر بیمه به وجود آورد و فتوای صادره نیز آنچنان مورد استقبال شرکت‌های بیمه قرار گرفت که آن را تکثیر و در قاب گرفته و بر دیوار نمایندگی خود آویزان کردند.

۲- بیمه عمر به شرط حیات و قرض

بعضی از فقها و حقوقدانان اسلامی نیز عقیده دارند که قرارداد بیمه با عقد قرض قابل مقایسه است و طبق نظریه آنچه که بیمه گذار به بیمه گر می‌پردازد به عنوان «قرض» دارد وجوه پرداختی از طرف بیمه گر نوعی «ادای دین» می‌باشد.^۲

۳- بیمه عمر به شرط حیات و نظام باز نشستگی

استاد مصطفی احمد الرزقاء فقیه حقوقدان سوری، بیمه عمر را با نظام باز نشستگی مقایسه نموده و عقیده دارد که این نظام در مورد کارمندان جاری است و فقهای شیعه و سنی نیز ایراد و اشکالی بر مشروعیت بیمه بازنشستگی ندارد. او می‌گوید وجه تشابه بیمه عمر به شرط حیات و نظام بازنشستگی در این است که شخص در هر دو مورد، مبلغی می‌پردازد و چنانچه پس از مدتی تحت شرایط معینی، مستمری به خود ایشان و یا افرادی که به عنوان منتفع قرارداد معرض شده باشد پرداخت می‌گردد و این که البته در مورد این نوع بیمه عمر به شرط حیات در قسمت بیمه عمر به شرط حیات توضیح داده شده است و این تشابه در بیمه باز نشستگی و بیمه عمر در یکی از انواع بیمه عمر که در آن بیمه گذار مستمری دریافت می‌دارد، موجود است.

استقلال بیمه عمر

استقلال عقد بیمه عمر و دلایل آن: با توجه به مجموع بررسی‌های انجام شده و تحلیل‌های گوناگون حقوقی که از قرارداد بیمه به عمل آمده است و با جمع بندی مطالب گذشته می‌توان

^۱ ماده ۵۴۶ ق.م ایران

^۲ با توجه به اینکه در این عقد امنیت و غایت و نتیجه عقد است آن را تعهد غیت نیز می‌گویند. لنگرودی، دکتر جعفر، حقوقدان تعهدات

نتیجه گرفت که: بیمه عقدی مستقل است که خصوصیات و ویژگی‌های خاص خود را دارد و در این مورد دلایل زیر محکم و موجه به نظر می‌رسد:

۱- عمومات و اطلاقات ادله

۲- حصری نبودن عقود

۳- عقلایی بودن بیمه

۴- اصل حاکمیت اراده و یا اصل آزادی قرار دادها

اینک به بررسی هر یک از دلایل مذکور می‌پردازیم:

۱ - عمومات و اطلاقات ادله

مطالعات تاریخ اجتماعات انسان حکایت از آن دارد که در میان کلیه ملل پیشین، قراردادهایی در رابطه با زندگی اجتماعی آنان وجود داشته و ملل مذکور نیز خود را ملزم به اجرای قراردادها و تعهدات خود می‌دانسته‌اند. در تمام ادیان قبل از اسلام نیز وفا بر عهد و وعده امری نیکو محسوب و عهد شکنی نیز امری مذموم و ناپسندیده بشمار آمده است. وقتی دین اسلام نیز پا به عرصه وجود گذاشت جز در موارد معدودی قراردادهای مرسوم و متداول و عرفی موجود در بین مردم را به رسمیت شناخت. آیات متعددی در رابطه با لزوم وفا بر عهد و قراردادها نازل شد و اخبار و احادیث منقول از ائمه معصومین نیز، درباره پایبند بودن به پیمان‌ها و قراردادهای تأکید فراوانی به عمل آورد که از جمله این آیات و احادیث می‌توان از آیات شریفه «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» (سوره مائده آیه ۱)، «و اوفوا بالعهد» (سوره اسری آیه ۳۵)، «یا ایها الذین آمنوا تاكلوا اموالکم بینکم با الباطل الا ان تکنون تجاره عن تراض» (سوره نسا آیه ۲) و احادیث معروف «المومنون عندشروطهم» و «لا یحل مال امر الا بطیب نفسه» و «الصلح جائز بین المسلمین الا ما احل حراما او حرم حلالا» نام برد.

۲ - حصری نبودن عقود

عده‌ای از فقها عقیده دارند که عمومات ادله منحصرأ شامل عقد و قراردادهای مرسوم در زمان شارع بوده و قراردادهایی همچون بیمه عمر را که در زمان شارع وجود نداشته است، شامل نمی‌گردد. در پاسخ این نظریه باید گفت که، اولاً هیچگونه دلیلی بر حصری بودن عقود در دست نیست و عمومات و اطلاقات آیات (اوفوا بالعقود) و (تجاره عن تراضی) نیز مؤید این موضوع می‌باشد ثانیاً همانطوری که امام خمینی رضوان الله تعالی علیه عقیده دارند بر فرض که بیمه عمر سابقه فقهی نداشته باشد ولی به چه دلیلی معامله صحیح و شرعی باید سابقه داشته باشد؟ درست است که در صدر اسلام، بیشتر معاملاتی که امروز متداول می‌باشد وجود نداشته است، ولی این بدان معنی نیست که جریان تعبیدی بوده باشد و باید حتماً شارع بگوید که فلان معامله صحیح است بلکه شارع مقدس هر عقدی را که در بین طرفین منعقد شده باشد معتبر شمرده و آن را

۱۶۳ بررسی ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در بیمه عمر (هدایت الله سلطانی، شهرام قاسمی ثابت)

تنفیذ کرده است چه سابقه داشته و چه سابقه نداشته باشد مگر اینکه دلیلی بر خلاف آن وجود داشته باشد.^۱

۳- عقلایی بودن عقد بیمه

حقوق اسلام، عقل و سیره عقلا را یکی از منابع حقوق می‌داند و روایات و احادیث متعددی نیز در مورد اعتبار و حجیت عقل وارد شده^۲ و قاعده معروف (ما حکم به العقل حکم به الشرع) نیز مؤید اهمیت دلیل عقل در فقه اسلامی است و سیره عقلا نیز عبارت از رویه عملی خردمندان می‌باشد که با در نظر گرفتن مصالح جامعه و پیشگیری از اختلال در جوامع بشری به وجود آمده است و به همین جهت اغلب فقها و مراجع تقلید در موارد متعددی به سیره عقلا و صحت تمسک به آن اشاره نموده اند.

۴- اصل آزادی اراده

این اصل که از آن با عنوان اصل حاکمیت اراده و با اصل آزادی قراردادهای نیز یاد می‌شود یکی از اصول پذیرفته شده در فقه اسلامی و حقوق اکثر کشورهای جهان می‌باشد حدیث (کل شیئی مطلق حتی یرد فیه نهی) یکی از دلایل محکم اصل آزادی اراده می‌باشد.

شرایط انعقاد قرارداد بیمه عمر

بخش اول: شرایط عمومی

قراردادی که در پرتو آن تعهدی به سود شخص ثالث ایجاد می‌شود مانند هر قرارداد دیگری باید دارای شرایط اساسی که در ماده ۱۹۰ ق. م مقرر گردیده است.

۱- قصد طرفین قرارداد و ثالث

بدیهی است که طرفین قرارداد یعنی بیمه گر و بیمه گذار باید دارای اراده انشایی و فقدان قصد انشاء در یکی از طرفین مانع تشکیل قرارداد و تحقق تعهد به سود شخص ثالث یعنی موجب بطلان آن خواهد بود. اما مطلبی که در خود بحث است این است که آیا قصد انشاء ذینفع ثالث هم لازم است یا خیر؟ ممکن است بدو به نظر برسد که برای تحقق ماهیت حقوقی قرارداد و شرط ضمن آن اراده طرفین کافی است و آنچه از شخص ثالث لازم است، رضایت اوست و دیگر نیازی به قصد انشاء او وجود ندارد، اما اندکی دقت در مسئله نشان می‌دهد که برای قبول شخص ثالث، قصد انشای او ضروری است و به صرف اعلام رضا و میل حقی برای شخص ثالث به وجود نخواهد آمد و نباید قبول تعهد به سود ثالث را با تنفیذ معامله فضولی قیاس کرد.

۱. بی آزار شیرازی، آیت اله عبدالکریم، ۱۳۵۹ رساله نوین ناشر انجام ترجمه تحریر الوسيله به نقل از درس خارج

مورخ ۱۳۴۳/۵/۷ امام خمینی رضوان الله علیه درباره مسدئته

۲. خزائلی، دکتر محمد، ۱۳۴۱، احکام قرآن انتشارات جاویدان چاپ ۵، ص ۷۴۲

۲- رضای طرفین قرارداد و شخص ثالث

رضای بیمه گر و بیمه گذار مانند سایر معاملات، برای اعتبار آن لازم است و در صورت فقدان رضا در یکی از دو طرف قرارداد مزبور غیرنافذ، که با تنفیذ بعدی معتبر و با رد طرف ناراضی، باطل خواهد بود. همچنین رضای شخص ثالث هم برای اعتبار تعهد به سود ثالث لازم است سئوالی که به ذهن می‌رسد این است که در صورت اعلام قبول تعهد به سود منتفع ثالث تحت تأثیر اکراه قرارداد چه وضعیتی پیدا می‌کند؟

۳- اهلیت طرفین و منتفع ثالث

در این که طرفین قرارداد بیمه گر و بیمه گذار باید دارای اهلیت باشد بحثی مطرح نیست. اما در مورد منتفع ثالث اهلیت شرط نیست. همانطور که می‌دانیم حق به معدوم تعلق نمی‌گیرد بنابراین شخص ثالث که تعهد به سود او می‌شود باید موجود باشد و این سئوال به ذهن می‌رسد که آیا شخص ثالث منتفع در قرارداد بیمه عمر که تعهد به سود اوست باید هنگام قرارداد موجود باشد یا کافی است در زمان اجرای تعهد بوجود آید؟ در پاسخ می‌توان به ماده ۲۴ قانون بیمه ایران مصوب ۱۳۱۶ اشاره کرد کلمه میگوید: «وجه بیمه عمر که باید بعد از فوت پرداخته شود به ورثه قانونی پرداخته می‌شود» در حالیکه ممکن است وارثان، هنگام انعقاد قرارداد موجود نباشد و اهلیت تملک ثالث در زمانی شرط است که تعهد به سود او انجام می‌پذیرد.^۱

شرایط اختصاصی

قرارداد بیمه با درخواست بیمه گذار (پیشنهاد بیمه) و پذیرش و قبول شرکت بیمه بسته می‌شود و آنان را متعهد می‌کند ولی برای اثبات رابطه و پیوند بیمه‌ای وجود «سند بیمه» یا بیمه نامه ضروری و بایسته است، چنان که ماده دوم بیمه می‌گوید: «عقد بیمه و شرایط آن باید به موجب سند کتبی باشد و سند مزبور موسوم به بیمه نامه خواهد بود» پیشنهاد بیمه در برگیرنده پرسش نامه‌ای است چاپی که مؤسسه‌های بیمه برای سهولت و شکل حقوقی دادن به درخواست بیمه مشتریان در اختیار علاقه مندان قرار می‌دهند تا مشتری یا نماینده بیمه آن را تکمیل و امضاء کند و در اختیار بیمه گر قرار دهد.

۱- بیمه نامه یا سند بیمه

ماده ۲ قانون بیمه می‌گوید: «عقد بیمه و شرایط آن باید به موجب سند کتبی باشد و سند مزبور موسوم به بیمه نامه خواهد بود» بیمه نامه، نمود و نمایش بیرونی و عملی قرارداد بیمه و وسیله اثبات پیوند حقوقی یا رابطه متقابل میان بیمه گر و بیمه گذار به شمار می‌رود. بیمه نامه‌های گوناگون که شرایط رشته‌های متنوع بیمه‌ای را بازتاب می‌دهند شامل دو بخشند:

اساس قرارداد بیمه: تعریف و اصطلاح‌ها، موارد خارج از شمول بیمه یا بیرون از تعهد بیمه گر، تعهدات بیمه گذار و بیمه گر موارد انحلال (فسخ و تفاسخ و انفساخ) و بطلان و پایان قرارداد

۱. کاتوزیان دکتر ناصر، قواعد عمومی قراردادها ج ۳، انتشارات بهنشر، ۱۳۶۸ ص ۳۸۱

۱۶۵ بررسی ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در بیمه عمر (هدایت الله سلطانی، شهرام قاسمی ثابت)

مدت قرارداد، انتقال بیمه نامه، جانشینی بیمه گر، حدود و گستره جغرافیایی، راه حل های حل اختلاف، صلاحیت دادگاه و مرور زمان.

برای همسازی و هماهنگی توافق دو طرف با شرایط عمومی بیمه نامه، مواردی به عنوان شرایط خصوصی یا جدول بیمه نامه پیش بینی می شوند که بر پایه محتوای پیشنهاد بیمه تکمیل می شود ماده سوم قانون بیمه مواردی را که می باید بطور صریح در بیمه نامه قید شود به شرح زیر اعلام می کند.

تاریخ شروع و پایان بیمه نامه: نامه بیمه گذار، موضوع بیمه، نوع بیمه، حق بیمه و شرایط پرداخت آن، میزان و مبلغ تعهد بیمه گر افزون بر این نام استفاده کنند یا استفاده کنندگان، تعداد نسخه ها، شماره بیمه نامه، امضای بیمه نامه، تعیین محل صدور و نام نماینده بیمه در آن قید می شود.

زبان بیمه نامه: بیمه نامه های صادر شده در ایران به زبان فارسی یا ترجمه فارسی تنظیم می شود ولی از جهت بیمه شدگان یا بیمه گذاران ایرانی تنها متن فارسی بیمه نامه اعتبار و سندیت دارد.^۱

مدت بیمه نامه: در بیمه های اموال و بیمه های مسئولیت، مدت بیمه نامه کوتاه و بطور معمول یکسال است و گاهی هم بیمه نامه هایی با مدت کمتر از یکسال صادر می شود. در بعضی موارد نیز ممکن است در بیمه نامه ها مدت را پنج سال یا بیشتر تعیین کنند ولی هر سال با پرداخت حق بیمه مقرر، قرارداد بیمه اعتبار اجرایی پیدا می کند. اما در بیمه های عمر بیمه نامه بطور معمول بصورت دراز مدت ده تا سی سال صادر می شود و رابطه بیمه گر و بیمه گذار بر پایه یک پیمان حقوقی دراز مدت استوار می باشد.

گواهی بیمه موقت: گاهی پیش می آید که بیمه گذار تقاضا می کند تا صدور بیمه نامه قطعی یک گواهی موقت در دست داشته باشد، این حالت زمانی پیش می آید که بیمه گر به علت نداشتن نرخ قطعی یا نداشتن تأمین اتکایی قادر به صدور بیمه نامه قطعی نیست.^۲ در چنین مواردی، بیمه گر تقاضای بیمه را می پذیرد و تا صدور بیمه نامه قطعی اقدام به صدور گواهی موقت بیمه می کند. گواهی موقت برای مدت محدود تا صدور بیمه نامه قطعی صادر می گردد و گواهی موقت بیمه یک قراردادی است که با تقاضای بیمه گذار و قبول بیمه گر صادر و تمام تعهدات پیش بینی شده در بیمه نامه را در بر می گیرد.

برگ های الحاقی: یک سند بیمه ای تکمیل کننده بیمه نامه است در این سند همه تغییرهای حاصل در شرایط بیمه نامه منعکس می شود. صدور برگ الحاقی بدان علت است که گاهی در جریان اعتبار بیمه نامه تغییراتی در میزان و چگونگی کاهش یا افزایش سرمایه، مدت بیمه نامه تغییر استفاده کننده و... ضرورت پیدا می کند.

^۱ ماده ۲۸ نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتها، مصوب ۱۳۱۰/۳/۱۱

^۲ محمود صالحی، دکتر جابعلی، حقوق بیمه ص ۱۵۳ چاپ بیمه مرکزی ایران

۲- خطر مورد تأمین بیمه گر

در بیمه عمر به شرط فوت بیمه گر در صورتی قبول تعهد می‌کند که ریسک موضوع بیمه عمر به شیوه‌ای دقیق برای بیمه گر مشخص شده باشد او باید به منظور اجتناب از قراردادهایی که در آنها خطر به شیوه‌ای غیر عادی احتمال وقوع دارد دست به گزینش خطر بزند. اطلاعات بیمه گر درباره خطر و تأمین آن متکی به ۳ عامل می‌باشد:

پیشنهاد بیمه

بیمه گذار اطلاعاتی اساسی درباره ویژگی‌های قراردادهای مورد نظر را در اختیار بیمه گر قرار می‌دهد مانند هویت مدتی یا اموال شخصی- این امور در خصوص بیمه عمر به شرط حیات بسنده است ولی در مورد بیمه عمر تأمین خطر فوت که نیاز به اطلاعات پزشکی دارد کفایت نمی‌کند.

معاینه پزشکی

توسط پزشک مورد اعتماد بیمه گر انجام می‌پذیرد. پزشک مذکور بر پایه پرسشنامه پزشکی تنظیم شده به معاینه دقیق نامزد بیمه می‌پردازد و در صورت لزوم دستور معاینه‌های تکمیلی دقیق تری را تجویز می‌نماید و پس از آن یک گزارش محرمانه برای شرکت بیمه تهیه می‌کند. معاینه پزشکی پر خرج است و با تمایل بخشی از مشتریان سازگار نیست در صورتی که مسلم شود که خطرهای بد به طور نسبی کاهش یافته‌اند می‌توان در بیمه عمر با سرمایه اندک و متوسط پرسشنامه پزشکی ساده را جایگزین معاینه پزشکی نمود. در تمام موارد بیمه شده مکلف است که خود به خود تمام آنچه را که درباره وضع و شرایط خود می‌داند و بیمه گر را در ارزیابی خطر و قبول تعهد یاری می‌بخشد به آگاهی بیمه گر برساند این الزام تا آنجاست که حتی اگر موردی از وضع مزاجی و تندرستی بیمه شده در پرسشنامه پزشکی و تحقیق پزشک معاینه کننده مطرح نشده باشد، بیمه شده را از تعهد و الزام خود معاف نمی‌کند.^۱

گزارش محرمانه نماینده بیمه

به نظر می‌رسد که این گزارش جنبه تکمیلی دارد و برآگاهی بیمه گر می‌افزاید. با این همه مورد عمل بیمه گران است. زیرا اجازه می‌دهد که بیمه گر تصور و برداشتی درباره شخصیت و اخلاق منابع درآمد و... بیمه شده پیدا کند. بنابراین پس از کسب مجموع این آگاهی‌هاست که بیمه گر به گزینش دست می‌زند بدیهی است که بیمه گر در مقابل بی ترتیب‌ها و خلاف گوها بیمه شده و به هنگام اعلام ویژگی‌های خطر از حمایت‌های قانونی برخوردار است.

۳- آثار قبول

در واقع شخص ثالث، با قبولی خود را مقام گرفتن حقی که به او واگذار شده است، بر می‌آید و به تعبیر دیگر اعلام می‌نماید که تصمیم استفاده از شرط به نفع خود گرفته است. گروهی از علمای

^۱. حقوق بیمه ترجمه حیاتی، دکتر محمد نویسنده دکتر روزه بو بیمه مرکزی ایران سال ۱۳۷۳ چاپ دوم ص ۱۰۰ -

۱۶۷ بررسی ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در بیمه عمر (هدایت الله سلطانی، شهرام قاسمی ثابت)

حقوق عقیده بر این دارند که حقی که برای ثالث این حق مستحکم و استوار می‌گردد، به گونه‌ای که پس از آن شرط کننده حق فسخ شرطی کننده حق فسخ شرطی را که به نفع ثالث کرده است، ندارد. بر طبق اصول حقوقی حاکم بر حقوق ایران، بر اثر قرارداد، حق بطور مستقیم برای منتفع ایجاد می‌شود و بر اساس نظریه ایجاد مستقیم حق، اختیار فسخ شرطی که به نفع ثالث در قرارداد گنجانیده شده است، از سوی شرط کننده حتی در صورت سکوت ثالث، با مبانی این نظریه سازگاری ندارد، زیرا بنابراین نظریه تعهد به نفع شخص ثالث، به مشابه یک استثناء بر اصل نسبی بوده قراردادهاست و دارای ماهیت ویژه و مستطبی است و حق ثالث مستقیماً از این قرارداد نشأت می‌گیرد از این رو شرط کننده حق اگر منتفع قبولی خویش را هم، اعلام نکرده باشد، حق رجوع از شرطی که به نفع ثالث، کرده است، ندارد.^۱

۴- آثار رد

همانگونه که توضیح دادیم چون از نظر ما، امکان تعهد به سود ثالث استثناء بر قواعد عمومی و از جمله قاعده نسبی بودن قراردادهاست و حقی که برای ثالث بوجود می‌آید، در نتیجه تراضی بین طرفین قراردادها حاصل می‌گردد، فلذا گفته شد، قبول او سهمی در اعتبار تعهد ندارد ولی از سوی دیگر ضرورت وجود قبول او را در تحقق تعهد نمی‌رساند. چون اشخاص دارای استقلال هستند و در مواردی شاید نخواهند که دیگران بر آنان منتهی داشته باشند و حقی را بصورت مجانی برای آنها بوجود آورند، می‌توانند تعهدی را که ناخواسته به سود آنان ایجاد شده است، رد کند.^۲

سؤال دیگری که مطرح می‌شود آن است که، اگر در بیمه عمر، ذینفع معین نگردد و یا به هر دلیل دیگر نتواند از مبلغ بیمه شده استفاده کند، به عنوان مثال ذینفع تعیین شده باشد، ولی تعیین او به علت منع قانونی کان لم یکن تلقی گردد، یا استفاده کننده قبل از انقضاء مدت قرارداد فوت کند و یا قبولی خویش را اعلام نکرده و تعهدی به نفع وی شده باشد را رد کند، در این صورت مبلغ بیمه شده آیا جز ترکه و دارایی بیمه گذار می‌باشد یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که مطابق ماده ۲۴ ق. بیمه عمر ایران، در این حالت حق بیمه به وراثت می‌رسد، ولی آنچه به وراثت می‌رسد به عنوان ترکه متوفی نیست، حقی است که با مرگ بیمه گذار (مورث) به سود آنان ایجاد شده است، از اینرو مطابق قواعد ارث تقسیم نمی‌شود.

البته کل حق بیمه به ورثه شریطی را شامل می‌گردد در بند ۲ و ۴ ماده ۸ قانون بیمه عمر ذکر شده است که اگر بیمه گذار و بیمه شده دو نفر باشند در صورت فوت بیمه گذار یا انتقال بیمه به دیگری چنانچه ورثه یا منتقل الیه کلیه تعهدات را که بیمه به موجب قرارداد بیمه به عهده بیمه گزار بوده است در مقابل بیمه گر اجرا نمایند قرارداد بیمه به نفع ورثه یا منتقل الیه به اعتبار خود باقی است، مع هذا ورثه یا منتقل الیه حق فسخ قرارداد را طبق شرایط عمومی این بیمه نامه خواهند داشت.

^۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، قواعد عمومی قراردادها - جلد ۳

^۲. کاتوزیان، دکتر ناصر، قواعد عمومی قرار داده - جلد ۳، انتشارات بهنشر سال ۶۹

ضمن اینکه اگر ورثه بیمه گزار متعدد باشند هر یک از آنها نسبت به تمامی حق بیمه در مقابل بیمه گر مسئولیت تضامنی خواهند داشت به نحوی که هرگاه هر یک از آنها حق بیمه سهمی خود را نپردازد هیچکدام نخواهد توانست از قرارداد بیمه عمر بهره مند گردند.

در چنین موردی فایده مقررات بهم زدن انجام شده بین زن و شوهر، تنها ناظر به یک حالت بسیار استثنایی است و آن عبارت از موردی است که بیمه نامه صادر شده باشد و استفاده کننده قبولی خود را پیش از ازدواج بیمه گذار استفاده کننده بعدی اعلام کرده باشد. در این صورت عزل استفاده کننده پیشین منتفی است بنابراین بیمه گذار می‌تواند بر پایه مواد ۱ - ۲۶۷ یا ۱ - ۲۶۸ قانون مدنی فرانسه حق عزل خود را اعمال نماید.

با این همه در برابر حقوق ویژه بیمه گذار نسبت به تعیین یا حذف و عزل استفاده کننده پشتیبانی از حقوق استفاده کننده نیز مسئله شایان بررسی می‌باشد. اعلام قبولی در هر صورت، موجب ایجاد حق برای استفاده شده و وارد دارایی او می‌شود. بدین معنا که قبول استفاده کننده به منزله بستانکار شدن و صاحب حق شدن استفاده کننده در برابر شرکت بیمه است و نه در برابر بیمه گذار.

در نتیجه تعهد به نفع شخص ثالث هیچ التزامی مستقیماً میان شخص ثالث منتفع و متعهد له به وجود نمی‌آید. متعهد له حقی را به سود شخص ثالث به عهده متعهد تحصیل می‌کند، بدون آنکه خود تعهدی را در مقابل شخص ثالث به عهده می‌گیرد. شخص ثالث نیز در نتیجه قرارداد عهده دار تکلیفی در برابر متعهد له نمی‌شود و دعوای او برای اجرای تعهد، علیه متعهد اقامه می‌شود، نه متعهد له. با وجود این قراردادی که میان متعهد و متعهد له به سود شخص ثالث منعقد می‌شود با توجه به روابط گذشته میانه متعهد و متعهد له و منتفع و بر حسب قصد متعهد له ممکن است آثاری در روابط فی ما بین آنها داشته باشد.

وضع قرارداد به نفع شخص ثالث از حیث روابط گذشته متعهد له و شخص ثالث متفاوت است. گاه پس از انعقاد قرارداد رابطه‌ای بین شخص ثالث و متعهد وجود ندارد و قرارداد منشا اصلی رابطه‌ای میان آنهاست و گاه پس از انعقاد قرارداد میان آنها روابطی وجود دارد و قرارداد تعدیل رابطه گذشته است.

۱ - در فرضی که تعهد رایگان است، و به قصد احسان به منتفع انجام شود هر چند که تملک آن منوط به مرگ شرط کننده باشد، نباید آنرا تابع وصیت شمرد و اختیار شرط کنند را محدود به ثلث دارایی کرد به همین دلیل می‌باشد که اگر حق بیمه عمر که می‌بایستی به منتفع پرداخت گردد بیش از نیمی از میراث بیمه گذار باشد، وارث او حق اعتراض بر آنرا ندارد و عمل حقوقی نافذ است، زیرا حق بیمه به طور مستقیم از بیمه گر به منتفع می‌رسد و هیچگاه با دارایی بیمه گذار وارد نمی‌شود، تا وارث حقی بر آن پیدا کند، این حق در زمان حیات بیمه گذار برای منتفع تحصیل شده است، هر چند که اجرای آن منوط به مرگ او باشد، و بدان می‌ماند که بیمه گر ملکی برای دیگری بخرد تا پس از مرگ به او تسلیم شود.

۱۶۹ بررسی ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در بیمه عمر (هدایت الله سلطانی، شهرام قاسمی ثابت)

۲- در موردی که تعهد به قصد وفای به عهد شرط کننده انجام می‌شود. البته باید گفت که در تعهد به نفع شخص ثالث که در بیمه عمر صورت می‌گیرد قبول طلبکار سهمی در ایجاد تعهد ندارد و انعقاد در حکم پرداخت دین نیست بلکه اجرای تعهد و پرداخت واقعی به طلبکار سبب برائت شرط کننده است و دین تا این هنگام باقی است.

در حقوق ایران از آنجا که در نتیجه قرارداد حق به طور مستقیم برای منتفع ایجاد می‌شود باید قبول کنیم که شرط کننده اختیار فسخ آن حق و شرط را ندارد، مگر اینکه در عقد تصریح شود و یا قانون و عرف آنرا مباح بدانند که بیمه عمر این چنین است و بیمه گذار حق دارد تا آخرین لحظات ذینفع را تغییر دهد و انگهی در بیمه عمر پیش از مرگ بیمه گذار، حق منتفع معلق می‌باشد و هنوز تحقق نیافته است به همین دلیل بیمه گذار می‌تواند در آن تصرف کند، ولی در مواردی که حق مکتسب ثالث با عقد بوجود می‌آید، زوال آن بدست شرط کننده نیست مگر اینکه قانون یا عرف آنرا بپذیرد.^۱

وارثان متعهد له نیز نسبت به طلبی که به نفع شخص ثالث شرط شده است، حقی ندارد. هرگاه شخص ثالث منتفع خود از ورثه باشد، مالی مه از بابت تعهد به او می‌رسد.

روابط بین بیمه گذار و ثالث

تعیین استفاده کننده از مزایای بیمه یکی از جنبه‌های بیمه عمر است. با انعقاد قرارداد بیمه گذار بر حسب مورد با مزیتی را شخص یا اشخاصی که برای او عزیزاند عرضه می‌دارد که خود نوعی بخشش غیر مستقیم است و یا بدهکاری خود را به شخص ثالثی مورد تضمین قرار می‌دهد. در حالت نخست: اختصاص مزایای بیمه به اشخاص ثالث به طور مجانی و رایگان صورت می‌گیرد و در حالت دوم اختصاص مزایا جنبه معوض به خود می‌گیرد، در هر صورت منطق امور، بیمه گذار را وادار به تعیین استفاده کننده اما باید دانست که تعیین استفاده کننده به هیچوجه شرط صحت و اعتبار موثر بودن قرارداد بیمه نیست. همچنین جا دارد بین موردی که در بیمه نامه استفاده کننده تعیین می‌شود یا تعیین نمی‌شود فرق گذارد.

الف) بیمه نامه بدون استفاده کننده معین

عدم تعیین استفاده کننده بدان معنا است که بیمه گذار فعلاً از تعیین و تخصیص مزایای بیمه استفاده نکرده است اما به این فرض کلی می‌باید مواردی را اضافه کرد که تعیین استفاده فاقد آثار قانونی است از آن جمله است موردی که تعیین استفاده کننده بر خلاف قانون یا مغایر نظم و اخلاق حسنه باشد مانند اینکه بیمه گذار رفیقه یا معشوقه خود را که با او رابطه قانونی زوجیت ندارد به عنوان استفاده کننده از بیمه نامه تعیین کند و انگیزه او حفظ این رابطه نامشروع باشد.

۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، قواعد عمومی قراردادها ج ۳، انتشارات بهنشر ص ۴۱۹ و ۴۲۰

ب) استفاده کننده تعیین شده باشد

تعیین استفاده کننده یا استفاده کنندگان از بیمه عمر یکی از حقوق اصلی بیمه گزار است. بیمه گزار می‌تواند هر کسی را بخواهد به عنوان استفاده کننده از قرارداد بیمه عمر تعیین کند البته او نمی‌تواند بر خلاف نظم عمومی و اخلاق نیک جامعه، عمل و اقدام کنند مثل تعیین رفیقه یا معشوقه به عنوان استفاده کننده و بر عکس در صورتی که اختصاص مزایای بیمه عمر معوض باشد، یعنی اینکه بیمه گذار به منتفع ثالث بدهکار باشد بیمه گذار متعهد به پرداخت اقساط بیمه عمر می‌باشد و در صورت قصور می‌تواند بیمه گذار را ملزم به پرداخت اقساط نماید و بیمه گذار نمی‌تواند منتفع ثالث را رد کند و شخص درگیری را به عنوان ثالث منتفع معرفی نماید.

رابطه بیمه گر و شخص ثالث

بهترین اثر تعهد ایجاد حق برای منتفع است و این حق ثالث را طلبکار و متعهد را بدهکار می‌کند و در نتیجه وسایل اجرایی در اختیار ثالث قرار می‌دهد، او می‌تواند بر طبق قواعد عمومی تعهدات از دادگاه، یا اجرای ثبت در رسمی بودن سند الزام بدهکار بر وفای به عهد بخواهد. اگر در قرار داد، قید گردد که طلب یکی از دو طرف به سود بیگانه‌ای اجرا شود، بدون اینکه او حق مستقلی پیدا کند، ثالث در این فرض تنها منتفع است نه طلبکار در حالیکه در بیمه عمر تعهد به نفع شخص ثالث حق مستقلی را مستقر می‌نماید لذا منتفع می‌تواند بیمه گر الزام به تعهد خود نماید. ضمن اینکه منتفع ثالث در بیمه عمر به دلیل استقلالی که برای او ایجاد می‌شود اختیار رد حق را خواهد داشت یعنی بتواند تعهدی را نا خواسته به سود او ایجاد گردیده را رد کند. این اختیار با ایقاع بودن ایجاد حق نسبت او منافات ندارد و آنرا با قبول در قراردادهای اشتباه گرفت.^۱ درباره امکان رد حق در قانون ایران حکمی صریحی وجود ندارد، ولی این اختیار از اصول کلی بخوبی بر می‌آید، حق ایجاد شده به سود ثالث است و او را طلبکار می‌کند و صاحب حق می‌تواند از آن بگذرد و آثاری که متبادر می‌گردد که در این صورت شرط کننده اگر زنده باشد خود منتفع از این حق می‌گردد و با توجه به مواد ۲۴ و ۲۵ قانون بیمه ایران که بیان می‌دارد: (در صورت رد ثالث یا حصول شرایطی که وی، نتواند از تعهدی که به نفع او شده است استفاده کند. وجه بیمه عمر به ورثه متوفی پرداخت می‌گردد مگر اینکه در قرارداد بیمه یا بعد از آن، در سند بیمه قید دیگری تعیین شود).

نتیجه گیری

در این نوشتار آنچه در ابتدا مطرح گشت آن بود که اصل نسبی بودن قراردادها که یکی از اصول مهم حقوقی است و در جوامع مختلف بر آن تأکید گشته است، بنای عقلای عالم نیز بر آن صحه می‌گذارد. در حقیقت آنچه این نظریه بر پایه آن استوار است، این است که، معاملات و عقود فقط طرفین متعاملین و قائم مقام آنها را، مدیون و طلبکار و مالک و مأذون می‌کند. به تعبیر دیگر، این

^۱ کاتوزیان، دکتر ناصر، ۱۳۶۹، قواعد عمومی قراردادها ج ۳ چاپ به نشر

۱۷۱ بررسی ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در بیمه عمر (هدایت الله سلطانی، شهرام قاسمی ثابت)

آثار مستقیم عقد است، که موضوع قصد مشترک دو طرف قرار می‌گیرد و این آثار مستقیم عقد مربوط به خود متعاملین است. به بیان دیگر این اصل مؤید این نکته است که قراردادی که بین دو شخص منعقد می‌گردد، نمی‌تواند، تکالیف و آثار و نتایجی برای اشخاص ثالث، که در این عقد شرکت نداشته‌اند، ایجاد کند. اگر چه این اصل مطابق افکاری است، که اهمیت ویژه‌ای به اراده انسان‌ها می‌دهند و بیان می‌کنند که هیچکس را بدون رضایتش، نمی‌توان منتفع یا متضرر از قراردادی نمود که در آن شرکت نداشته است، ولی در هر حال با پیشرفت صنعت و دگرگونی جوامع از حالت اولیه خویش، رفته رفته این اصل مواجه با استثنائاتی گردید و علمای حقوق بر آن شدند که استثنائات فوق را به گونه‌ای توجیه کنند.

چه با که یکی از متعاقدين، بخاطر ارضاء نیازهای معنوی و اخلاقی، در ضمن قرارداد شرط می‌کرد که طرف دیگر قرارداد، نفعی به شخص ثالث نیازمندی برساند، و چه بسا یکی از طرفین قرارداد، برای تأمین نیازمندی‌های فرزندان خود پس از مرگش، طرف دیگر قرارداد را متعهد می‌کرد، که وی بایستی مبلغی را پس از مرگ شرط کننده به فرزندان او بدهد. از اینگونه مثال‌ها، فراوان می‌توان یافت که در هر صورت ظهور و تجلی و اعمال این نیازها، باعث می‌شد که اصل نسبی بودن قراردادها، خدشه‌دار گردد، نیازها به اینگونه نهادهای حقوقی تا بدانجا رسید که در قوانین مدنی کشورها، هم صریحاً به این مطلب اشاره گردید. بطور مثال در ماده ۱۹۶ قم ایران و ماده ۱۱۲۱ ق م فرانسه و ماده ۱۵۴ ق م مصر به تعهد به نفع شخص ثالث اشاره شد و هر یک از این قوانین در پی آن بودند که به گونه‌ای، اصل نسبی بودن قراردادها را زیر سوال ببرند. ولی سؤالی که در ابتدا ذهن را بخود مشغول می‌کرد این بود که اصولاً تعهد به نفع شخص ثالث چیست؟ که ما بخاطر آن اصل نسبی بودن قراردادها را زیر سؤال می‌بریم ساده‌ترین تعریف، برای تعهد به نفع شخص ثالث، این می‌تواند باشد که هر گاه دو تن با هم پیمانی ببندند و یکی از آن دو در برابر دیگری ملتزم به دادن مال یا انجام کار و یا به طور خلاصه ایجاد حقی برای شخص ثالثی گردد، تعهد به نفع شخص ثالث شکل می‌گیرد. به بیانی دقیقتر تعهد به نفع ثالث، نهادی است که به دو طرف قرارداد، امکان می‌دهد، در حالیکه برای خود معامله می‌کنند. تعهدی نیز به سود ثالثی ایجاد کنند. برای توجیه ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث که با اصل نسبی بودن قراردادها در تضاد است، حقوقدانان نظریات مختلفی را ارائه دادند. از جمله این نظریه‌ها یکی نظریه پیشنهاد بود که بیان می‌کرد، در قرارداد اصلی ابتدا تعهد به سود شرط کننده ایجاد می‌گردد، سپس وی انتقال این طلب را به ثالث پیشنهاد می‌کند. اگر شخص ثالث این ایجاب را قبول کند. در نتیجه این قرارداد جدید حق به سود ثالث ایجاد می‌شود. گرچه این نظریه اشکال مربوط به تجاوز اثر عقد به دیگران را از بین می‌برد، ولی با اصولی که بر تعهد به نفع شخص ثالث در عمل حاکم است مغایرت دارد چرا که این نظریه به هیچ وجه نمی‌تواند توجیه کننده بیمه عمر باشد، در این تحلیل حق ثالث، تنها پس از قبول او بوجود می‌آید و این قبول بایستی قبل از مرگ شرط کننده (گوینده ایجاب قرارداد دوم) و خود ثالث، انجام پذیرد، در حالیکه منتفع از بیمه عمر به طور معمول در زمان حیات بیمه گذار از آن آگاه نمی‌شود و مجال پذیرفتن تعهد را نمی‌یابد، اشکال مهمتری که

بر این نظریه وارد شد، آن بود که اگر شخص ثالث، پس از اطلاع از ایجابی که از سوی شرط کننده به نفع وی شده است، قبولی خود را اعلام ننماید، چون بر طبق این نظریه ابتدا تعهد به نفع شرط کننده، ایجاد می‌شود و منافع در دارائی شرط کننده وارد می‌شود، طلبکاران احتمالی شرط کننده می‌توانند این حقوق و منافع را توقیف کرده و از اجرای تعهد به نفع شخص ثالث جلوگیری کنند و از سوی دیگر اگر معنی تعهد به نفع شخص ثالث، این بود که قرارداد دیگری به دنبال عقد اصلی، بیان شرط کننده و ثالث بسته می‌شود و در اثر آن قرارداد دوم ثالث، صاحب حق می‌گردد، دیگر نیازی به حکم مواد ۲۳۱ ق م ایران و ۱۱۶۵ و ۱۱۱۹ ق م فرانسه نبود و تجاوزی، نیز به اصل نسبی بودن قراردادهای، صورت نمی‌گرفت. همچنانکه گفته شد. این نظریه دوام چندانی نداشت تا نظریه اداره فصولی اموال غیر، مطرح گشت. این نظریه در حقیقت بیان می‌داشت که شرط کننده با تحصیل تعهد به سود ثالث به عنوان مدیر فصولی، اقدام می‌کند اگر چه وی در این کار وکالت ندارد ولی همینکه منتفع عمل حقوقی را تنفیذ کند، در حکم نماینده واقعی او می‌شود، این نظریه نیز با اشکالات اساسی روبرو بود. چرا که فرق‌های اصولی زیادی بین اداره فصولی اموال غیر و تعهد به نفع شخص ثالث وجود دارد. اداره فصولی، فصول به نمایندگی از سوی غایب و محجور اقدام می‌کند، در حقیقت قرارداد را به اسم آنها منعقد می‌کند و خود در این میان نقش واسطه دارد، ولی در تعهد به نفع شخص ثالث شرط کننده، قرارداد را به اسم خود منعقد می‌کند نه به اسم ثالث منتفع، از سوی دیگر مدیر فصولی می‌تواند مخارجی که متحمل شده است را از مالک بگیرد ولی در قرارداد به نفع شخص ثالث، شرط کننده، قرارداد را برای خود منعقد می‌کند و نمی‌تواند از آن بابت مخارجی از ثالث بگیرد. از سوی دیگر مدیر فصولی نسبت به معامله‌ای که برای دیگری انجام می‌دهد بیگانه است و حق فسخ آن را در هیچ صورتی ندارد ولی شرط کننده در تعهد به نفع شخص ثالث، در بعضی از موارد حق فسخ قرارداد را داراست و همه این ایرادات، ناشی از این واقعیت است که اداره فصولی بر نظریه نمایندگی تکیه دارد و این در حالی است که در تعهد به سود ثالث، شرط کننده خود طرف معامله است و تعهد به سود او نیز هست. با عدم پذیرش این نظریه، نظریه تعهد یک طرفی یا اعلام یک طرفه اراده، مطرح گشت که بیان می‌دارد که در قرارداد اصلی متعهد التزامی به سود ثالث می‌کند و همین التزام برای او حق بوجود می‌آورد، بدون اینکه نیازی به رضای ثالث داشته باشیم. ما گفتیم که ایجاد تعهد در رابطه با منتفع در حکم ایقاع است، زیرا در آفریدن حق نیازی به رضای او نیست ولی این ایقاع خود نتیجه یک تراضی است و همه نیروی خود را از آن پایه قراردادی می‌گیرد از سوی دیگر این نظریه با ظاهر مواد ۲۳۱ و ۱۹۶ ق م ایران، مخالف است زیرا، در این مواد تعهد به نفع شخص ثالث به عنوان استثناء بر قواعد مربوط به آثار عقد آمده است. در پایان ماده ۱۹۶ ق م ایران آمده است که: «... معذک ممکن است در ضمن معامله که شخص برای خود می‌کند، تعهدی هم به نفع شخص ثالثی بنماید» بدین ترتیب تعهد ریشه قراردادی دارد و از تراضی متعهد با طرف او در عقد برخاسته است، حال که سه نظریه قبلی همچنانکه مشروحاً توضیح داده شد، توان توجیه حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث را نداشتند، نظریه جدیدی عنوان گردید که به نام نظریه ایجاد استثنائی حق به سود ثالث، مشهور است. این

۱۷۳ بررسی ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در بیمه عمر (هدایت الله سلطانی، شهرام قاسمی ثابت)

نظریه، تعهد به نفع شخص ثالث را همچون نهادی مستقل با ویژگی‌های خاص خود می‌داند. در حقیقت نظریه‌های گذشته سعی داشتند. در چهارچوب اصل نسبی بودن قراردادها به توجیه تعهد به نفع شخص ثالث بپردازند، ولی این نظریه بطور کلی تعهد به نفع شخص ثالث را به مثابه استثنائی بر اصل نسبی بودن قراردادها می‌داند که دلیل ایجاد آن هم نیازهای اجتماعی است. چرا که بطور کلی اصول حقوقی همچون اصل نسبی بودن قراردادها در جهت حفظ منافع اشخاص، رسالت خود را می‌بایستی ایفا کنند و اگر در شرایطی این اصول مانع رسیدن منافع به اشخاص می‌گردند، بهتر است که با روش‌هایی جلوی اعمال این اصول گرفته شود. بر طبق این نظریه حق منتفع بطور مستقیم از قرارداد ناشی می‌شود و از اینروست که از گزند طلبکاران و ورثه شرط کننده در امان می‌ماند و این حق وابسته به قرارداد باقی می‌ماند و فسخ و ابطال عقده آن حق را از بین می‌برد. امروزه اصل نسبی بودن قراردادها آن احترام و قلمرو پیشین را ندارد و قانونگذار هر جا صلاح بداند، آنرا با احترام به کناری می‌نهد و راه خود را می‌پیماید. به تعبیر دیگر، حقوق کنونی درباره احسان به دیگران و اقدام به سود همنوعان، سختگیری را روا نمی‌دارد هنوز هم نمی‌توان ادعا کرد که، اقدام خود سرانه به سود دیگران را به عنوان اصل مباح می‌داند ولی، پروائی ندارد که تجاوزهای استثنائی و سودمند را بپذیرد، بر اساس این نظریه تعهد به نفع شخص ثالث نیز در زمره همین استثنائات می‌باشد، و البته باید افزود که ایجاد حق به سود ثالث به گونه‌ای که او بتواند بطور مستقیم، به متعهد رجوع کند. تابع اراده و خواست مشترک طرفین قرارداد است. در میان فقهای اسلامی نیز همچنانکه گفته شد، تعهد به نفع شخص ثالث مورد پذیرش بوده است و مثال‌های عملی از آن در کتب فقهی، بسیار دیده می‌شود، به عنوان مثال در عقد هبه و صلح و وصیت، به منتقل الیه شرط می‌شود که مبلغی را به شخص ثالث، بصورت نفقه ماهیانه یا سالیانه بپردازد. قول مشهور فقها تعهد به نفع ثالث را تحت عنوان شرط ضمن عقد پذیرفته بود و النهایه گروهی از فقها بر این عقیده بودند که شرط ضمن عقد برای ثالث، ایجاد عقد می‌کند و مشروط علیه در مقابل ثالث، متعهد می‌گردد و بین آنان رابطه حقوقی بوجود می‌آید و شرط کننده اختیار اسقاط شرط، یا انصراف از آن را ندارد. زیرا ذمه متعهد در مقابل ثالث. مشغول است، گروهی دیگر از فقها نیز بر این عقیده اند که در تعهد به نفع ثالث، آنچنان حقی برای او ایجاد نمی‌شود که قابل اسقاط، از طرف شرط کننده نباشد، بلکه برای ثالث حقی به تبع حق شرط کننده بوجود می‌آید، که با زایل شدن حق اصلی، حق تبعی نیز زایل خواهد شد، ولی همچنانکه ذکر آن رفت، نظریه دیگری نیز در فقه وجود دارد، که از مبتکرین آن شیخ انصاری است، که بیان میدارد، حق ثالث مستقیماً از قرارداد نشأت می‌گیرد. این نظریه اخیر، منطبق با نظریه ایجاد مستقیم حق می‌باشد که از لحاظ اصولی محکمترین، نظریه در این باب است و طرفداران زیادی نیز دارد.

در صورت پذیرش، نظریه ایجاد مستقیم حق، از قبول این مطلب، ناگزیر هستیم که شرط کننده، اختیار فسخ حقی را که به نفع ثالث بر اثر قرارداد بوجود آمده است. ندارد مگر اینکه در عقد برای شرط کننده این اختیار تصریح شود، یا قانون و عرف آن را مباح بداند. از اینجاست که اختلاف بین حقوق ایران و فرانسه پدیدار می‌گردد، در حقوق ایران در قانون مدنی به حق فسخ شرط کننده،

هیچ اشاره‌ای نشده است و در قانون بیمه در مواد ۲۵ و ۲۶ صریحاً اشاره شده است که شرط کننده هر وقت بخواهد می‌تواند ثالث منتفع را تغییر دهد، حتی پس از قبولی ثالث، طبق قانون ایران این حق برای شرط کننده شناخته شده است. در حقوق فرانسه طبق بند ۲ ماده ۱۱۳۱ ق م این کشور، تا هنگامی که ثالث منتفع قبولی خود را اعلام نکرده است، شرط کننده حق اسقاط شرطی که به نفع ثالث کرده است را دارد و به این مطلب در ماده ۶۴ بیمه فرانسه نیز اشاره شده است، باید گفته شود که آنچه در حقوق فرانسه راجع به حق فسخ شرط کننده آمده است. با نظریه ایجاد مستقیم حق قابل جمع نیست، از اینروست که بعضی از فرانسویان به این اداره رفته اند، که حق پیش از قبول منتفع بوجود نمی‌آید و شرط کننده می‌تواند از ایجاب خود رجوع کند و تنها پس از قبول است. که حق بوجود می‌آید و مستقر می‌شود و شرط کننده نیز حق فسخ آن را ندارد، این نظر، امروز مهجور مانده است و نویسندگان و رویه قضائی فرانسه، تحت تأثیر، نظریه ایجاد مستقیم حق پذیرفته اند که حق منتفع پیش از پذیرش او ایجاد می‌شود و در حقیقت این بحث‌هایی که پیرامون حق فسخ شرط کننده در حقوق فرانسه، مطرح می‌شود، نتیجه با هماهنگی قانون با نیازهای اجتماعی و تضاد آن با نظریه‌های محکم ارائه شده از سوی دانشمندان حقوق می‌باشد.

در حقوق ایران اگر ما بهترین نظریه موجود یعنی نظریه ایجاد مستقیم حق را بپذیریم در عمل با مشکلی روبرو نیستیم. ما می‌گوییم که ایجاد حق به سود ثالث، و امکان بر هم زدن آن با هم ملازمه ندارد. اگر بپذیریم در نتیجه قرارداد حق بطور مستقیم برای ثالث ایجاد می‌شود، باید بپذیریم که شرط کننده، اختیار فسخ آن حق و اسقاط شرط را ندارد، مگر اینکه در عقد تصریح شود و یا قانون و عرف آن را مباح بدانند، از جمله مواردی که این اباحه از سوی قانون، برای شرط کننده وجود دارد همان مواد ۲۵ و ۲۶ قانون بیمه ایران است که حتی پس از قبولی ثالث منتفع، شرط کننده حق فسخ شرط را دارا می‌باشد. پس در حقوق ایران اصل آن است که شرط کننده در اختیار فسخ شرطی که به نفع ثالث کرده است را ندارد مگر در موارد خاص و استثنائی ولی در حقوق فرانسه، اصل آن است که شرط کننده اختیار اسقاط شرطی که به نفع شخص ثالث کرده است را دارد مگر اینکه قبولی از طرف ثالث، اعلام شده باشد. ذکر این نکته هم ضروری است که استقلال منتفع در برابر دو طرف قرارداد ایجاب می‌کند که به او اختیار رد حق داده شود، یعنی بتواند تعهدی را که ناخواسته، به سود او ایجاد شده است، رد کند. این اختیار را با قبول در قراردادها نباید اشتباه گرفت، زیرا عمل حقوقی در صورتی عقد نامیده می‌شود که انجام آن نیاز به تراضی دو اراده داشته باشد و امکان رد عمل انجام شده به آن وصف قراردادی نمی‌بخشد. بنا بر این اختیار رد منافاتی با ایجاد حق به سود ثالث و از زمان انعقاد قرارداد ندارد و در مورد حق اقاله طرفین اصلی قرارداد باید گفت که در بیمه عمر در مورد این سؤال طرفین در بیمه عمر می‌توانند اقاله نمایند یا خیر؟ جواب مثبت است، زیرا که در بیمه عمر فرض قانونگذار آن است که حق با مستقری را دو طرف برای منتفع به وجود آورده‌اند حتی بیمه گذار می‌تواند تا زنده است آنرا فسخ کند و به دیگری واگذارد پس این اختیار را نیز دارد که قرارداد اصلی را با بیمه گذار اقاله نماید و

۱۷۵ بررسی ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث در بیمه عمر (هدایت الله سلطانی، شهرام قاسمی ثابت)

این اختیار بیمه گذار حالتی استثنائی می باشد که برابر مواد ۲۵ و ۲۶ قانون بیمه ایران بیان داشته است.

منابع

- ۱) بی آزار شیرازی، عبدالکریم، سال ۵۹، رساله نوین، ناشر انجام ج دوم.
- ۲) ترجمه حیاتی، دکتر محمد سال ۷۸ حقوق بیمه نویسندہ روزہ بو، اپ بیمه مرکزی ایران.
- ۳) ترجمه محمود صالحی، دکتر جانعلی سال ۷۱ بیمه عمر و سایر بیمه های اشخاص نویسندہ: ژان لوک اوپر بیمه مرکزی ایران.
- ۴) جزایری، شمس الدین همایون، سال ۴۷، حقوق کار و بیمه اجتماعی، دانشگاه تهران ج دوم.
- ۵) جعفر لنگرودی، دکتر محمد جعفر، سال ۵۷، دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت چاپ مشعل جلد اول چاپ اول.
- ۶) جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر سال ۷۰ دوره مقدماتی حقوق مدنی مؤسسه عالی حسابداری جلد دوم.
- ۷) خامنه ای، سید محمد، سال ۵۹، حقوق بیمه در اسلام و ایران ناشر دفتر فرهنگ اسلامی.
- ۸) روح اله، امام خمینی، سال ۱۳۴۰، تحریر الوسيله چاپ دار الفکر ج دوم.
- ۹) مکارم شیرازی، سال ۱۳۶۳، توضیح المسائل، انتشارات مطبوعاتی هوف.
- ۱۰) صادقی، دکتر محمد، سال ۸۳، تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق فرانسه انگلیس ایران و فقه امامیه چاپ امیر کبیر.
- ۱۱) عرفانی، دکتر توفیق، سال ۷۱، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران چاپ مؤسسه کیهان تهران چاپ اول.
- ۱۲) قائم مقامی، دکتر عبدالمجید، سال ۵۳، حقوق تعهدات چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۳) کاتوزیان، دکتر ناصر، سال ۶۸، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها انتشارات بهنشر ج ۳.
- ۱۴) کاتوزیان، دکتر ناصر، سال ۷۱، دوره حقوق مقدماتی حقوق مدنی شرکت انتشار چاپ دوم.
- ۱۵) محمود صالحی، دکتر جانعلی، سال ۸۱، حقوق بیمه شرکت بیمه مرکزی ایران.
- ۱۶) مشایخی، دکتر همایون، سال ۴۹، مبانی و اصول حقوقی بیمه مدرسه عالی حسابداری ج دوم.
- ۱۷) مشایخی، دکتر همایون، سال ۵۳، بیمه اشخاص چاپ مدرسه عالی بیمه جلد دوم.
- ۱۸) هوشنگی، دکتر محمد، سال ۶۹ بیمه حمل و نقل چاپ شرکت سهامی بیمه ایران ج اول.